معارف حکمی جامعه ▪ دو فصلنامه علمی تخصصی
سال دوم ▪ شماره چهارم ▪ بهار و تابستان ۱۴۰۱

نقش قوه خیال در تکوّن بهشت یا جهنم درون انسان

نرگس موحدی[۱]

چکیده

بهشت و جهنم در برزخ و آخرت، حاصل عینیت «عمل» با «جزا» در همین دنیا هستند. آنچه عینیت میان عمل و جزای آن را ممکن می‌سازد، فاعلیت قوه خیال نفس در صدور صوَر مثالی متناسب با عمل است که مجموع این صوَر مثالی را «بهشت یا جهنم درون» می‌نامیم. مسئله اساسی این پژوهش، بازشناسی ـ نه صرفاً شناخت ـ فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت یا جهنم در درون انسان، با بهره‌گیری از روش تحلیلی است. یافته اصلی پژوهش جاری، که با تکیه بر روی‌آورد تحلیل سیستمی مبانی نفس‌شناسی صدرالمتألهین در دو مقام «تجرد مثالی قوه خیال و تکوّن بهشت درون» و «انشاء صوَر و تکوّن بهشت درون» به دست آمده است، حاکی از فاعلیت قوه خیال نفس در خلق صوَر مثالی متناسب با دریافت‌های خود از حواس پنج‌گانه و افکار است. این صوَر، در مرتبه خیال نفس باقی می‌مانند و اگر حاصل این صوَر، همخوان با نعمات و ویژگی‌های بهشت باشد، انسان در بهشت درون خود به سر می‌برد و اگر ویژگی‌های جهنم و جهنمیان بر آن صادق باشد، هم‌اکنون در جهنم درون می‌سوزد.

واژگان کلیدی: فاعلیت، قوه خیال، بهشت درون، جهنم درون، تکون.

---

۱. دانش‌آموخته دکترای فلسفه و کلام اسلامی و پژوهشگر گروه فلسفه، کلام و عرفان پژوهشگاه معارف اسلامی جامعة الزهراء علیها السلام ؛ قم، ایران؛ n.movahed92@yahoo.com.

مقدمه

بهشت، مکانی سرشار از نعمت، خشنودی،[۱] امنیت،[۲] سلامتی،[۳] کرامت،[۴] حیات[۵] و خوشی[۶] است که به‌منظور پاداش اعمال، افکار و نیات حسنه[۷] به انسان داده می‌شود و بهشتیان در نهایتِ آرامش و بهجت،[۸] عاری از خشم و رنج حسادت و کینه،[۹] دور از خوف و حزن[۱۰] و تنگ‌نظری به سر می‌برند. از سوی دیگر، جهنم، جایگاه ترس و وحشت، خواری بسیار،[۱۱]

---

۱. ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ «(بهشت، دارالرضاست) چون خداوند از بنده، راضی است و بنده از خداوند، راضی است. این است رستگاری بزرگ». (مائده: ۱۱۹)

۲. ﴿لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾؛ «درحالی‌که در آنجا، هیچ رنج و زحمتی به آنها نرسد و هرگز از آن بهشت ابد بیرونشان نکنند». (حجر: ۴۸)

۳. ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد: ۲۳) و ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. (انعام: ۱۲۷).

۴. ﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (یونس: ۲۵). دارالسلام، نمایانگر محیطی آرام و امن است که سراسر صفا و صمیمیت بوده، صلح و آرامش در آن موج می‌زند.

۵. ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (عنکبوت: ۶۴). و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر [مردم] می‌دانستند، قطعاً سرای آخرت به یقین همان زندگی با دوام است.

۶. ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾ (فاطر: ۳۴ و ۳۵). بهشتیان زبان به حمد و ستایش حق می‌گشایند و شکرگزار خداوندی می‌شوند که هرگونه حزنی را از آنها برطرف کرده است.

۷. پیامبر ﷺ فرمود: «اَلنِّيَّةُ الحَسَنَةُ تُدخِلُ صاحِبَها الجَنَّةَ؛ نیت خوب، صاحب خویش را به بهشت می برد.» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۵، ص۷۱۹، ح۳۱۶۳)

۸. ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ (حجر: ۴۶). به آنها خوشامد می‌گویند و آرامشی کامل را که نمایانگر خروج هرگونه کینه و کدورتی از سینه‌های آنهاست، به آنها بشارت می‌دهند.

۹. ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾؛ «و ما آیینه دل‌های پاک آنها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند به‌کلی پاک و پاکیزه ساختیم و همه برادروار روبروی یکدیگر بر تخت‌های عزت بنشینند». (حجر: ۴۷). نکته لطیف اینکه کلمه «نزع» از معنای خاصی برخوردار است و آن این است که چنان از دل‌های آنان غل و غش و کینه و کدورت را بیرون می‌کشیم که گویی هرگز آلودگی و کدورتی نداشته‌اند.

۱۰. ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾؛ «[امروز به همان‌ها خطاب شود که] در بهشت، بی‌هیچ خوف و اندیشه و بی‌هیچ‌گونه حزن و اندوه داخل شوید». (اعراف: ۴۹)

۱۱. ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾؛ «پروردگارا! بی‌تردید هرکه را تو در آتش درآوری، قطعاً خوار و رسوایش کرده‌ای و برای ستمکاران هیچ یاری وجود ندارد». (آل عمران: ۱۹۲ و فصلت: ۱۶)

ناامنی و تنگ‌نظری،[۱] تکرار آزاردهنده،[۲] اندوه پایدار،[۳] حسرت بسیار[۴] و مصاحبت با انسان‌های پست و شیاطین[۵] است که سبب ذلت و خواری،[۶] رنج و درد، تحقیر بسیار[۷] و اضطراب و ناامنی برای جهنمیان می‌گردد و در آخرت، بدکاران در آن فروافکنده می‌شوند.

(ر. ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج۲)

این ویژگی‌ها، از ذاتیات بهشت و جهنم به شمار می‌روند و ـ علاوه بر بهشت حضرت

---

۱. ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ «و کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و آنان را خواری فرامی گیرد. برای آنان از [خشم و عذاب] خدا، هیچ حافظ و نگهدارنده‌ای نخواهد بود؛ گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب تاریک پوشیده شده است. آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند». (یونس: ۲۷)

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا﴾. «آنان که آیات ما را انکار کردند، به زودی آنها را وارد آتش کنیم، که هر وقت پوست بدنشان بسوزد، پوست‌های جدید در بدنشان برویانیم تا سختی عذاب را بچشند؛ زیرا که خداوند قدرتمند و حکیم است». (نساء: ۵۶)

۳. ﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾؛ «هرگاه بخواهند به سبب اندوه [فراوان و غصه گلوگیر] از دوزخ درآیند، به آن بازشان می‌گردانند و [به آنان می‌گویند:] عذاب سوزان را بچشید». (حج: ۲۲)

۴. ﴿يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾؛ «خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می‌دهد و اینان هرگز از آتش، بیرون‌آمدنی نیستند». (بقره: ۱۶۷)

۵. ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ «و شیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می گوید: یقیناً خدا [نسبت به برپایی قیامت، حساب بندگان، پاداش و عذاب] به شما وعده حق داد، و من به شما وعده دادم [که آنچه خدا وعده داده، دروغ است، ولی می‌بینید که وعده خدا تحقّق یافت] و [من] در وعده ام نسبت به شما وفا نکردم، مرا بر شما هیچ غلبه و تسلّطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتید، پس سرزنشم نکنید، بلکه خود را سرزنش کنید، نه من فریادرس شمایم، و نه شما فریادرس من، بی تردید من نسبت به شرک‌ورزی شما که در دنیا درباره من داشتید [که اطاعت از من را همچون اطاعت خدا قرار دادید] بیزار و منکرم؛ یقیناً برای ستمکاران عذابی دردناک است». (ابراهیم: ۲۲)

۶. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ننگ در روز قیامت، آدمی را رها نمی‌کند؛ چندان که می‌گوید: پروردگارا! مرا به آتش بفرستی برایم آسان‌تر است از این حالی که دارم. با آنکه از سختی عذاب آن آگاه است». (المستدرک علی صحیحین، ج۴، ص۶۲۰، ح ۷۸۲۰)

۷. ﴿تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ﴾؛ «آتش، [همواره] صورت‌هایشان را می‌سوزاند و آنان در آنجا [از شدت سوختگی،] زشت‌رویانی بدمنظرند». (مؤمنون: ۱۰۴)

آدم و حوا که در قوس نزول بوده است[۱] و بهشت و جهنم برزخی[۲] و اخروی[۳] که در قوس صعود واقع می‌شوند ـ بر «بهشت و جهنم درون» انسان‌ها نیز صدق می‌کنند. بهشت و جهنم درون، حاصلِ «عینیت عمل و جزا» است که در مرتبه خیال نفس و به‌وسیله قوه خیال در همین دنیا، اِنشا و خلق می‌شوند. هر آن کس که صوَر مثالی خلق‌شده در درونش، همانند نعمات بهشتی و ویژگی بهشتیان باشد، در همین دنیا، در بهشتِ درون خویش است و هر آن کس که صوَر مثالی اِنشاشده در درونش، مطابق عذاب‌های دوزخ باشد، هم‌اکنون در جهنم درون به سر می‌برد و تا هنگام مرگ، این ساخت‌وپرداخت ادامه دارد. توصیف بهشت و جهنم درون، در واقع، توصیف یک حقیقت وجودی است که در درون همه انسان‌ها قرار دارد.

تجرد و ادراک برزخی قوه خیال، امری است که در پژوهش‌های مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است. اما مسئله اصلی در این مقاله، بازپژوهی فاعلیت قوه خیال در صدور صوَر مثالی در نهاد انسان و تبیین ارتباط آن با تکوّن بهشت یا جهنم در درون

---

۱. در قوس نزول و قبل از خلقت سایر انسان‌ها، حضرت آدم و همسرش در بهشتی بوده‌اند (ر. ک: طه۱۲۰ ـ ۱۲۱) که نه به سبب اعمال ایشان، بلکه هبه‌ای از سوی خداوند به آنان بوده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۹، ص۳۲۱). درباره «بهشتِ آدم ابوالبشر»، سه قول وجود دارد: یک. برخی معتقدند این بهشت، باغی از باغ‌های سرسبز دنیایی بوده است. دو. همان بهشت موعود در آخرت است. سه. بهشتی در آسمان و جدای از بهشت موعود در آخرت است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج۱، ص۲۲). صدرالمتألهین معتقد است این بهشت، غیر از بهشتی است که در آخرت به متقین وعده داده شده است. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص۲۹۹)

۲. انسان بعد از مرگ، فوراً به بهشت یا جهنم اخروی وارد نمی‌شود و تا زمان برپایی قیامت، در عالم برزخ به سر می‌برد؛ آیاتی که اشاره به بهشت برزخی دارند، عبارت‌اند از: یس: ۲۶ ـ ۲۷؛ حج: ۵۸ ـ ۵۹ و آل‌عمران: ۱۶۹. روایات بسیاری از معصومین علیهم‌السلام، دال بر بهشت و جهنم برزخی صادر شده است. ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج۶، ص۲۸۸، ح۳۰ و ص۲۶۸، ح۱۱۹؛ کلینی، ج۳، ص۲۴۴، ح۱. مکانی را که در برزخ، شایسته مؤمنان باشد، بهشت برزخی گویند و جایگاه بدکاران در برزخ را جهنم برزخی می‌نامند؛ «جنة البرزخ... لا یکون لکل أحد إلا بعد انقضاء حیاته الدنیویة بموته». (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۹، ص۳۲۱)

۳. به اعتقاد صدرالمتألهین، بهشت و جهنم اخروی (آیات دال بر بهشت و جهنم اخروی: ر. ک: صافات: ۴۱ ـ ۴۳؛ نجم: ۱۳ ـ ۱۵؛ مریم: ۶۱؛ فرقان: ۱۵ ـ ۱۶ و...)، همانند بهشت و جهنم برزخی هستند و تفاوت آن، در شدت و ضعف و نقص و کمال است: «الفرق بین الصور التي یراها و یکون علیها الإنسان في البرزخ و التي یشاهدها و یکون علیها في الجنة و النار عند القیامة الکبری، أنما یکون بالشدة و الضعف و الکمال و النقص». (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۹، ص۳۳۵)

انسان‌هاست. مسئله اساسی این جستار را می‌توان در چند سؤال فرعی، موشکافی کرد: مبانی نفس‌شناسی فاعلیت قوه خیال در نظام نفس‌شناسی صدرالمتألهین کدام‌اند؟ تجرد مثالی قوه خیال، چه نقشی در تکوّن بهشت درون دارد؟ ادراک برزخی به معنای اِنشای صوَر در مرتبه خیال نفس، چگونه به تکوّن بهشت یا جهنم در درون انسان منجر می‌شوند؟ فاعلیت خیال در تکوّن بهشت و جهنم درون با فاعلیت خیال در تکوّن بهشت اخروی چه تفاوتی دارد؟

فاعلیت خیال در تکوّن بهشت درون

ملاصدرا با تکیه بر مبانی فلسفی خود، توانسته جایگاه قوه خیال را بازشناسی کرده و معنای نوین و کارکردهای خاص قوه خیال را ارائه کند. مقصود از قوه خیال، یکی از قوای باطنی، به‌عنوان خازن صوَر نیست. صدرالمتألهین در دیدگاه نهایی خود، از پذیرش قوه خیال به‌عنوان خازن صوَر، عبور کرده و خیال را یکی از مراتب نفس می‌داند که غیر از مرتبه عقلی و مرتبه حسی است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص۱۴۱). اگر خیال را خازن صوَر بدانیم، به سبب آنکه به طور مستقیم، نقشی در ادراک ندارد، جایگاهی در تکوّن بهشت و جهنم نخواهد داشت. مهم‌ترین کارکرد خیال، فاعلیت و خالقیت است. همان طور که اضافه نفس در بدن، «اضافه تدبیر» است، اضافه مرتبه خیال نفس نسبت به عالم خیال متصل و بدن مثالی، «اضافه فاعلیت و ایجاد» است (همان، ۱۹۸۱، ج۹، ص۱۸ و ۲۷۰) و حاصل این فاعلیت در مرتبه خیال، تکوّن مجموعه‌ای از صوَر و مخلوقات است که متناسب با اعمال، افکار و نیات انسان اِنشا شده‌اند.

فهم اینکه صورت مثالی هر عمل، به چه صورتی در نهاد انسان انشا می‌شود، حقیقتاً دشوار است و بیان مصادیق این صوَر کلّی ـ به جز مواردی که اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن کریم اشاره کرده‌اند ـ از عهده عقل خارج است و تنها خداوند متعال و معصومین علیهم‌السلام به این امر آگاه هستند. البته بسیاری از اولیای الهی، که چشم الهی آنان در این دنیا گشوده شده، از سازه‌های باطنی انسان‌ها، نکاتی را در کتب خویش بیان کرده‌اند. در هر صورت، نمی‌توان به‌راحتی مصداق صوَر حاصل از فاعلیت خیال را در درون انسان‌ها به دست آورد. فاعلیت خیال در نهاد انسان، مبتنی بر مبانی متعددی است.

مبانی فلسفی فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون

ازآنجاکه در روی‌آورد عملیاتی در مقام پژوهش، پیش‌فرض‌انگاری مبانی ضرورت دارد، از تفصیل و بسط بی‌دلیل و غیرضروری مبانی خودداری و به بیان اشاره‌وار هریک بسنده می‌کنیم. مبانی فلسفی فاعلیت قوه خیال، شامل مبانی عام نظام فلسفی صدرا همچون: اصالت وجود، تشکیک مراتب وجود و حرکت جوهری و مبانی خاص نفس‌شناسی صدرا مانند: حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس، استکمال نفس با حرکت جوهری اشتدادی و تجرد برزخی خیال است.

هریک از این مبانی، به گونه‌ای نظام‌مند و پیوسته، دیدگاه صدرا در باب فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون را توجیه و تبیین می‌کند. بنا بر ایده صدرا مبنی بر حدوث جسمانی، نفس از ابتدای حدوث، مستعد حرکت به‌سوی تکامل است (همان، ۱۳۶۱، ص۲۳۵) و به سبب وجود چنین جوهر دارای سیلانی که هر لحظه در حال اشتداد است، به‌سوی تجرد پیش می‌رود (همان، ص۲۴۲). اوّلین مرتبه از این تجرد، تجرد برزخی در مرتبه خیال نفس است (همان، ۱۹۸۱، ج۹، ص۱۹). اثبات تجرد خیال، ادراک برزخی را برای آن اثبات می‌کند. معنای ادراک در دیدگاه صدرا، صدور و اِنشای صوَر است و فاعلیت قوه خیال در تکوّن بهشت درون، چیزی جز اِنشای صوَر نیست (همان، ۱۳۶۱، ص۲۳۸). از میان ویژگی‌های متعدد قوه خیال همچون: «تجرد مثالی، اِنشای صوَر، جزئی بودن صوَر، قابلیت تبدّل و تحول‌پذیری سریع صوَر، درک امور متضاد و متناقض و تفصیل و ترکیب صوَر»، دو مؤلفه «تجرد مثالی» و «اِنشای صور»، از جایگاه مهم‌تری در فاعلیت نفس و فرایند تصویرسازی در درون انسان برخوردارند که کارکرد این دو مؤلفه در تکوّن بهشت درون تبیین می‌شود.

تجرد مثالی خیال و تکوّن بهشت درون

صدرالمتألهین، رأی ابن‌سینا درباره انحصار تجرد عقلی نفس را نپذیرفت و استدلال‌های متعددی برای اثبات تجرد قوه خیال عرضه کرد (همان، ۱۹۸۱، ج۳، ص۴۷۵ ـ ۴۸۷ و ج۸، ص۲۲۶ ـ ۲۳۰). به باور او، آنچه قابلیت ادراک را برای قوه خیال فراهم می‌سازد، تجرد برزخی آن است (همان) و «تجرد»، یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های خیال در «تصویرسازی» مبدأ علمی و شناختی فرایند صدور فعل محسوب می‌شود. در این نوع تجرد، صوَر، فاقد ماده

و دارای کـم و کیـف، وضع و شـکل، صورت، رنـگ، امتداد، حرکت و مقدارنـد (همان، ۱۳۶۱، ص۱۰۵) و وجودِ قائم به نفس دارند.

ایـن صـوَر بـه سـبب اینکه فاقـد ماده‌اند، بـرای ظهـور و بروز در نفـس، با مانعـی روبه‌رو نیسـتند و هماننـد امور مادی، نیازی به فراهم آوردن شـرایط و مقدمـات ندارند (همان، ۱۳۶۱، ص۲۳۸). به همین سـبب، به‌راحتی و سـرعت به‌صورت‌های دیگر تبدیل می‌شوند (حکمت، ۱۳۸۴، ص۲۴۹) و انسـان را در «تصویرسـازی» مـداوم و مختلـف از افعـال یـاری می‌رسـانند. مصـداق ایـن صوَر می‌تواند صوَر قبیح و خواطر شـیطانی یا صوَر الهی و رحمانی باشـد. به اعتقاد ملاصدرا، این رابطه مانند رابطه سایه و صاحب سایه است. همان طور که هر شیئی سـایه دارد، اعمال و ملکات نفسـانی نیز سـایه وجودی خود را در بهشـت و جهنم درون به جای می‌گذارند. بنابراین، از تمامی دریافت‌های انسان از حواس پنج‌گانه و افکار و نیات، صـورت مثالـی در مرتبه خیال صادر می‌شـود و مجموع این صـوَر مثالیِ قائم به نفس در هر فـرد، عالمـی مسـتقل به وجود مـی‌آورد که به آن، عالـم خیال متصل گفته می‌شـود (عبودیت، ۱۳۹۴، ج۳، ص۱۱۴). نام دیگر عالم خیال متصل را می‌توان بهشت یا جهنم درون گذارد.

انشاء صوَر (ادراک) در خیال و تکوّن بهشت درون

تکوّن بهشـت و جهنم در درون انسـان، ارتباط مسـتقیمی با فرایند ادراک دارد. طبق قاعده کلـی «کل مـدرک مجرد و کل مجرد مدرک»، تجرد مثالی قوه خیـال، ادراک مثالی این مرتبه از نفـس را اثبـات می‌کنـد. فراینـد ادراک در فرادیـدگاه صدرالمتألهیـن، به‌صـورت اتحـاد و صـدور اسـت، نـه حلـول و قـوام ادراک چیزی فراتـر از حصول صـورت معلوم بـرای عالم. صدرالمتألهیـن بـر ایـن باور اسـت که صـوَر خیالی، از نفس صادر شـده و نفـس، مصدر و علت وجودی این صوَر در وعای خود است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۹، ص۱۹۱)

تصـور هـر امـری در مرتبه خیال، مسـاوی با ادراک آن امر اسـت و ادراک آن، مسـاوی با خلق و ایجاد است. به دیگر سخن، علم، همان حصول معلوم است و حصول معلوم، همان وجـود معلـوم اسـت و وجود معلوم، چیزی جز خود معلوم نیسـت (شـیروانی، ۱۳۹۱، ج۳، ص۵۲). بنابراین، فرایند ادراک، مساوی با تحقق صوَر در ذهن است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۱، ص۱۰۵) و به محـض تصـور و تصدیق به فایده یک امـر، ادراک و تحقق فعل را نتیجه می‌دهد. این بدان

معناست که آنچه صدرا در مورد قوه خیال و توانایی آن در صدور صوَر مثالی، مبتنی بر مبانی فلسفی مورد پذیرش خود بیان می‌کند، مبتنی بر «تکوین» نفس انسان است؛ یعنی اِنشای صوَر در مرتبه خیال نفس، به نحوه خلقت انسان برمی‌گردد. انسان تکویناً به گونه‌ای خلق شده است که در مرتبه خیال نفس، اِنشای صوَر کرده و شاکله درونی خویش را رقم می‌زند، البته به اذن و حول و قوّه الله تعالی؛ اما در هر صورت، این اذن، تکوینی است (همان، ۱۹۸۱، ج۹، ص۳۳۲)[۱] و نه قراردادی. نفس انسان، این گونه خلق شده است که فارغ از آیین و مذهب خویش ـ چه کافر باشد یا مؤمن ـ صوَر وجودی مطابق اعمال او، در درونش خلق شود و غضب و لذت، شهوت، حسد، کبر، خودخواهی، تواضع، خضوع و علم و... شئون وجودی او گردند و البته یکی از مهم‌ترین اعمال، ایمان و کفر است. به همین سبب، پاداش و جزا در قیامت، مقابله و مقاوله، نسبت، اعتبار و قرارداد نیست و هرکس با ملاحظه وجود خود، به بهشت و جهنم خویش فراخوانده می‌شود.

به سبب تکوینی بودن نتایج اعمال، علامه طباطبایی ملاک در حسنه و سیئه بودن اعمال را به دلیل اثری می‌داند که برای انسان حاصل می‌شود. به سبب آن آثار، اعمالی را حسنه، و اعمالی را سیئه می‌نامیم و جرم و اسکلت اعمال، نقشی در نسبت دادن حُسن یا قبح به آن را ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۶، ص۱۲۱)

با توجه به این مطلب، اگرچه معرفت و عمل نیک «آگاهانه»، جایگاه انسان را ارتقا می‌بخشد، اما هر انسانی آگاهانه یا به‌صورت ناخودآگاه، هزاران صورت خیالی را خلق می‌کند و با این صوَر در فضای درونی خود انواع انفعالات مثبت و منفی را رقم می‌زند. در این صورت، اگرچه آگاهی و اختیار، ملاک پاداش اعمال به شمار می‌رود، اما با توجه به تکوینی بودن خلق صوَر در درون انسان، از دریافت‌ها و ادراکات غیر اختیاری نیز صورت مثالی در درون انسان خلق می‌شود. شاید به همین سبب باشد که بزرگان اخلاق، به حفظ چشم از نگاه به امور مهمل

۱. «اعلم أن في حضرة الخيال في الدنيا يكون الحق محل تكوين العبد. فلا يخطر له خاطر في أمر ما إلا و الحق يكونه في هذه الحضرة ـ كتكوينه أعيان الممكنات إذا شاء ما شاء منها فمشية العبد في هذه الحضرة من مشية الحق ـ العبد ما يشاء إلا أن يشاء الله فما شاء الحق إلا أن يشاء العبد في الدنيا و يقع بعض ما يشاء العبد في الدنيا في الحس و أما في الخيال فكمشية الحق في النفوذ فالحق مع العبد في هذه الحضرة على كل حال ما يشاؤه العبد كما هو في الآخرة في حكم عموم المشية لأن باطن الإنسان هو ظاهره في الآخرة».

و حفظ گوش از شنیدن هر صدایی توصیه کرده‌اند. همان گونه که زیاد صحبت کردن، کراهت دارد، زیاد نگاه کردن به هر چیزی و گوش دادن به امور لغو نیز متناسب با بهشت نیست.

فاعلیت نفس در مرتبه خیال و خلق صوَر مثالی در درون انسان، با مضمون بسیاری از روایات معصومین علیهم‌السلام سازگار است. به عنوان مثال، اینکه در احادیث بسیاری، پاداش اذکار، «درخت» ذکر شده، به این معناست که صورت وجودی و ممثلی که نفس به ازای هریک از این اذکار خلق می‌کند، چیزی شبیه درخت است؛ صورتی مثالی و جزئی و دارای اندازه و شکل و مقدار در هیبت درخت بهشتی. در حدیثی، امام صادق علیه‌السلام از پدران گرامی‌اش از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت کرده است: «کسی که **سبحان‌الله** بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند و کسی که الحمدلله بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند و کسی که **لا اله الا الله** بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او غرس می‌کند و کسی که **الله‌اکبر** بگوید، خداوند درختی در بهشت برای او می‌نشاند.» اگرچه ممکن است این درختان در بهشت بیرونی نیز خلق شوند، اما با توجه به اینکه هر عملی در درون انسان اثرگذار است، حقیقت ممثل این اذکار، در مرتبه خیال نفس به صورت درخت خواهد بود؛ چنان‌که در ادامه، مردی از قریش در آنجا بود و عرض کرد: ای رسول خدا! بنابراین درختان ما در بهشت زیاد است! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جواب فرمود: «نعم ولکن ایاکم ان ترسلوا علیها نیرانا فتحرقوا؛ آری! ولی برحذر باشید از اینکه آتشی بر آنها بفرستید و آنها را بسوزانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۸، ص۱۸۶، ح۱۵۴).[1] فرستادن آتش نیز مبتنی بر قدرت خلاقیت نفس است که صورت برزخی عملی را که منطبق بر آتش است، خلق کرده و سبب سوختن درختان بهشتی می‌گردد؛ همانند عمل منّت گذاردن بعد از انفاق به نیازمندان.[2]

---

۱. «من قال «سبحان‌الله»، غرس الله له بها شجرة فی الجنة و من قال «الحمد لله»، غرس الله له بها شجرة فی الجنة و من قال «لا اله الا الله»، غرس الله له بها شجرة فی الجنة و من قال «الله اکبر»، غرس الله له بها شجرة فی الجنة».

۲. «وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اَللَّهِ علیه‌السلام :... قَالَ فَمَنْ أَنْفَقَ مَالَهُ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اَللَّهِ، ثُمَّ اِمْتَنَّ عَلَى مَنْ تَصَدَّقَ عَلَيْهِ كَانَ... كَمَنْ كَانَ لَهُ جَنَّةٌ كَثِيرَةُ اَلنَّمَارِ، وَ هُوَ شَيْخٌ ضَعِيفٌ لَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ ضُعَفَاءُ فَتَجِيءُ رِيحٌ أَوْ نَارٌ فَتُحْرِقُ مَالَهُ كُلَّهُ؛ به نقل از امام صادق علیه‌السلام آمده است که هرکس مالش را در راه جلب خشنودی خداوند انفاق کند و سپس، بر کسی که انفاق کرده است، منّت گذارد...، همانند کسی است که باغی پُر از میوه دارد و خود، پیری ناتوان است و فرزندانی خردسال و ناتوان دارد؛ ناگهان بادی یا آتشی می‌آید و مالش را به‌کلی می‌سوزاند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۹۶، ص۱۴۳، ح۸)

مساوق بودن ادراک با وجود در قوه خیال، سبب می‌شود هر چیزی را که شخص بهشتی یا جهنمی ادراک می‌کند، فی‌البداهه نزد او حاضر شود: «لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ» (فصلت: ۳).[۱] مطابق این آیه، به صرف اشتها، تملک رخ می‌دهد. این توانایی، در وصف قدرت قوه خیال بهشتیان ذکر شده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج۹، ص۱۹۱ـ۱۹۲). بااین‌حال، قوه خیال در دنیا نیز همین قدرت را داراست و انسان می‌تواند به محض اراده، به هر نحو و شکلی که اراده شود و بدون نیاز به ابزار و مواد قبلی، هر چیزی را با هر شکل و خصوصیتی در مرتبه خیال نفس خلق کند. (همان، ص۳۱)

این اراده، عین «تصورات و تصدیقات» انسان، به صدور فعل است و در واقع، همان مبدأ اوّلیه فعل به شمار می‌رود. ابن‌سینا در کتاب التعلیقات خود در توضیح و بیان حقیقت این نوع از «اراده» می‌نویسد: «هر فعلی در عالم کون و فساد، معلول اراده است؛ اما خود اراده، نیازی به اراده پیشینی ندارد. هر موجودی برای ایجاد، نیازمند تصورات خیالی و عقلی پیشینی است و تا زمانی که تصور صحیح و کاملی از آن نزد فاعل فراهم نگردد، آن امر محقق نمی‌شود. «تصورات»، در حقیقت، همان اراده بر انجام افعال هستند. بنابراین، متشخص بذاته و متخصص بذاته در صدور افعال، همان تصورات خیالی و عقلی هستند که عین اراده‌اند». (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص۱۶۴ ـ ۱۶۵)

در این صورت، حتی اگر فعل، در مرحله تصور و تصدیق باقی بماند و به مرحله صدور در خارج نرسد، حقیقتی بر اساس «تصورات و تصدیقات» در درون انسان، خلق و صادر خواهد شد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۱، ص۲۳۷). با توجه به این حقیقت، می‌توان فعل را دارای دو تحقق دانست: تحقق در درون و تحقق در خارج. قبل از تحقق فعل در خارج، فعل در ذات انسان، خلق و ایجاد می‌شود و بنا بر اعتقاد صدرالمتألهین، هویت انسان، حاصل اتحاد نفس با مدرکات و تصوراتش است و زمانی که فاعل، امری را تصور کند، آن امر در ذات فاعل، موجود خواهد شد و فاعل و فعل، عین یکدیگر خواهند شد (همان، ۱۳۶۳، ج۲، ص۹۴۵). در صورت تأکید و تکرار آن فعل، حقیقت خلق‌شده، برای همیشه در درون انسان باقی مانده و دنیای درون انسان را شکل می‌دهد و همراه او به آخرت منتقل می‌شود.

---

۱. «آنچه دلتان بخواهد، در بهشت برای شما فراهم است و در آن هرچه را بخواهید، برای شما موجود است».

در حدیثی، پیامبر اکرم ﷺ درباره میّت می‌فرماید: «خداوند بر روح او ۹۹ مار بزرگ مسلط گرداند که هر دَم او را بیازارند که اگر یکی از آنها بر روی زمین بود، دیگر زمین چیزی نمی‌رویاند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۲۴۱)[۱]

هریک از این مارها، تمثل اعمال نکوهیده انسان هستند. صدرالمتألهین در توضیح این حدیث می‌گوید: «این مارها که در حدیث به آن اشاره شده است، هم‌اکنون نیز موجودند و بیرون از ذات و نهاد میّت نیستند. این مارها پیش از مردن کافر نیز با او بوده‌اند؛ اما او نمی‌توانست قبل از کنار رفتن پرده از برابر دیدگانش، یعنی قبل از مرگ، آن را احساس کند؛ زیرا حس باطنش به جهت غلبه شهوات و کثرت شواغل ظاهری ـ که او را به خود مشغول و سرگرم می‌کرد ـ تخدیر شده بود. در نتیجه، نیش و گزش مارها را فقط پس از مرگ ـ که پرده زندگی مادی و طبیعی کنار می‌رود ـ به مقدار تعداد خُلق‌وخوی‌های نکوهیده و شهوات و دلبستگی‌هایش نسبت به متاع دنیا در خود احساس می‌کند» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص۹۱). این حدیث، شاهد دیگری بر اِنشای صوَر اعمال در درون انسان است.

تفاوت فاعلیت خیال در تکوّن بهشت درون و بهشت اخروی در دیدگاه ملاصدرا

تفاوت مهمی که در دیدگاه صدرالمتألهین، میان بهشت درون در دنیا و بهشت اخروی در روز قیامت وجود دارد، این است که مخلوقات در بهشت درون و در باطن انسان، موجودات مثالی هستند؛ درحالی‌که آفریده‌های خیال در آخرت، اعم از بدن و پاداش‌ها و عذاب‌های اخروی، مادی‌اند. به‌عبارت‌دیگر، سازه‌های «بهشت و جهنم درون در این دنیا» و «بهشت و جهنم اخروی در آخرت»، هر دو حاصل ادراکات مرتبه خیال هستند، با این تفاوت که آنچه قوه خیال در این دنیا خلق می‌کند، دو ویژگی دارد: ۱. در درون انسان و در مرتبه خیال نفس هستند؛ ۲. این مخلوقات، مثالی‌اند. آنچه قوه خیال در آخرت خلق می‌کند نیز دو ویژگی دارد: ۱. در خارج از نفس و بیرون از ذات انسان خلق می‌شوند؛ ۲. این مخلوقات، مادی و جسمانی هستند.

صدرالمتألهین، جسمانی بودن نعمات و عذاب‌های اخروی را که حاصل فاعلیت و خالقیت قوه خیال هستند، این گونه تبیین می‌کند: هرگاه نفس در مرتبه خیال، از قوت

۱. «و یسلط علی روحه تسعة و تسعون تنینا تنهشه لیس فیها تنین تنفح علی ظهر الارض فتبت شیئا».

بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند صوَر خلق‌شده در درون خود را در عالم خارج به‌صورت مادی نیز خلق کند. به عبارتی، نهایت قوت قوه خیال، زمانی رخ می‌دهد که انسان با تمرکز اراده خود و قوت همت، که همان تقویت بیش از اندازه قوه خیال است، موجود خلق‌شده در مرتبه خیال نفس را به موجودی مادی و حسی مبدل کند و به آن، وجود خارجی ببخشد. هر میزان که قوت قوه خیال بیشتر باشد، نوع موجودی که در جهان خارج خلق می‌نماید و مدت زمانی که موجود در عالم طبیعت باقی می‌ماند، متفاوت خواهد بود. (همان، ص۵۹۸)[۱]

آنچه شاهد بر این مدعای صدرا است، فعل اولیای الهی و معصومین علیهم‌السلام در همین دنیاست که در قالب کرامات و معجزات، با قدرت خلاقیت نفس خویش، صوَر مادی را در عالم خارج خلق کرده‌اند.[۲] به همین سبب، در آخرت نیز نفس این صوَر مثالی را که در صقع خود دارد، می‌تواند به‌صورت مادی و جسمانی، خارج از ذات خود خلق کند.

صوَر در شدت و قوت، تابع نفس هستند و در مراتب ضعیف قوه خیال، در ذات نفس محصورند؛ اما در مراحل عالی‌تر، نفس هرآنچه را که در ذات خود ایجاد کرده است، به‌صورت موجودات عینی و مادی در عالم خارج محقق می‌کند و آثار مادی دارد (طباطبایی، بی‌تا، ج۳، ص۳۶۲). این امر، علاوه بر اینکه دلیل محکمی بر وجود صوَر خلق‌شده

---

۱. «قال بعض أكابر العرفاء كل إنسان يخلق بالهمة في قوة خيالة ما لا وجود له إلا فيها و العارف يخلق بالهمة ما يكون له وجود في خارج محل الهمة و لكن لا يزال الهمة يحفظها و لا يئودها حفظه ما خلقته فمتى طرأ على العارف غفلة من حفظ ما خلق عدم ذلك المخلوق انتهى».

۲. «اسماعیل‌بن عباس هاشمی می‌گوید: در روز عیدی به خدمت حضرت جواد علیه‌السلام رفتم [و] از تنگدستی به آن حضرت شکایت کردم. حضرت، سجاده خود را بلند کرد [و] از خاک، قطعه‌ای از طلا گرفت؛ یعنی خاک به برکت دست حضرت به پاره‌ای طلای گداخته مبدل شد. آن را به من عطا کرد. من آن را به بازار بردم؛ شانزده مثقال بود.» (اثبات الهداة، ج۳، ص۳۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۵۰، ص۴۹؛ مدینة المعاجز، ج۷، ص۳۷۳؛ موسوعة الامام الجواد علیه‌السلام، ج۱، ص۲۵۳)

«ابوجعفر طبری از ابراهیم‌بن سعید نقل می‌کند: امام جواد علیه‌السلام را دیدم که بر برگ درخت زیتون دست می‌زد و آن برگ‌ها به برگ نقره تبدیل می‌شد. من آنها را از حضرت گرفتم و با آنها در بازار معامله نمودم. آن برگ‌ها، نقره خالص بود و هرگز تغییری نکردند.» (دلایل الامامة، ص۳۹۸؛ موسوعة الامام الجواد علیه‌السلام، ج۱، ص۲۲۸؛ اثبات الهداة، ج۳، ص۳۴۵)

«کثیربن شاذان روایت می‌کند: خدمت امام حسین علیه‌السلام بودم که فرزندش علی‌اکبر، در غیر فصل، از ایشان انگور خواست. حضرت دست به ستون مسجد زد و انگور و موزی بیرون آورد و به او خورانید و فرمود: آنچه برای دوستان خدا نزد او هست، بیشتر است». (حرّ عاملی، اثباة الهداة، ج۲، ص۵۸۸)

در ذات انسان در نشئه دنیاست، معاد جسمانی مورد نظر صدرا را نیز تبیین می‌کند. غرض آنکه وقتی نفس با حیثیت فاعلی خود بتواند در دنیا، مخلوق مادی و جسمانی در عالم خارج ایجاد کند، در جهان آخرت هم که قدرت بیشتری از دنیا دارد، می‌تواند خلقتی مادی داشته باشد و بدن خود را به‌صورت مادی و جسمانی خلق کند[1] (صدرالمتألهین، ۱۳۶۰، ص۲۴۴). به اعتقاد صدرا، نفس در قیامت کبری، از طریق قوه خیال، بدن خود را تصور کرده و آن را در عالم خارج ایجاد می‌کند که اگرچه خلق این بدن، بدون مشارکت ماده است، اما بدن، مخلوق جسمانی و مادی است؛ با این تفاوت که صورت خلق‌شده در عالم دنیا، ماده‌ای غلیظ و متناسب با نشئه دنیوی است و بدن اخروی و نعمات اخروی که نفس تصور کرده و در عالم خارج خلق می‌کند، سازگار و تابع ساختار عالم آخرت است. (ر.ک: صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص۶۰۶)[2]

نتیجه‌گیری

صدرالمتألهین با اثبات تجرد خیال و ارائه تعریفی جدید از حقیقت ادراک، جایگاه ویژه‌ای برای فاعلیت قوه خیال فراهم آورده است. قوه خیال، به سبب تجرد مثالی، قادر به ادراک برزخی است و این ادراک، به‌صورت انشای صوَر است. صوَر مثالیِ حاصل از ادراکات قوه خیال، در نهاد انسان و در مرتبه خیال نفس، بهشت یا جهنم درون را می‌سازند.

---

۱. در کتاب معاد جسمانی در حکمت متعالیه، این مطلب، محققانه و به تفصیل اثبات شده است. (پویان، ۱۳۸۸)

۲. این، همان معنای معاد جسمانی است که صدرالمتألهین با بیان مقدمات و مبانی مختلف اثبات کرده و به آن معتقد است. با این بیان، معاد مورد اعتقاد صدرا، حقیقتاً جسمانی است؛ نه آن گونه که عده‌ای آن را مثالی گمان کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌سینا، حسین‌بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، التعلیقات، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، بیروت: مکتبة الاعلام الاسلامی.

۳. پویان، مرتضی (۱۳۸۸ش)، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، قم: بوستان کتاب.

۴. حکمت، نصرالله (۱۳۸۴ش)، حکمت و هنر در عرفان ابن‌عربی، تهران: فرهنگستان هنر.

۵. شیروانی، علی (۱۳۹۱ش)، ترجمه و شرح نهایه الحکمه، قم: بوستان کتاب.

۶. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، مفاتیح الغیب، مقدمه و تصحیح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی (نرم‌افزار نورالحکمه از مجموعه نرم‌افزارهای نور).

۷. ـــــــــ (۱۳۶۱ش)، العرشیة، تصحیح: غلامحسین آهنی، تهران: انتشارات مولی (نرم‌افزار نورالحکمه از مجموعه نرم‌افزارهای نور).

۸. ـــــــــ (۱۳۶۰ش)، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، مشهد: المرکز الجامعی للنشر (نرم‌افزار نورالحکمه از مجموعه نرم‌افزارهای نور).

۹. ـــــــــ (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه العقلیة، ۹ جلد، بیروت: دار احیاء التراث (نرم‌افزار نورالحکمه از مجموعه نرم‌افزارهای نور).

۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۱. ـــــــــ (بی‌تا)، الحکمة المتعالیة، حاشیه: علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم: مکتبة المصطفوی.

۱۲. طوسی، سید خلیل‌الرحمان (۱۳۹۲ش)، درآمدی بر اخلاق فلسفی در حکمت متعالیه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۳. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۴ش)، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران: سمت.

۱۴. الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، الجمع بین رأی الحکیمین، مقدمه و تعلیق: البیر نصری نادر، تهران: انتشارات الزهراء.

۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۸ق)، فروع کافی، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، قم: مکتبة الصدوق.
۱۶. ـــــــــ ، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۷. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحیاء التراث العربي.
۱۸. مجیدی خوانساری، غلامحسین (۱۳۸۵ش)، نهج الفصاحه؛ کلمات قصار پیامبر اکرم ﷺ، قم: انصاریان.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد با همکاری موسوی، سید رسول (۱۳۹۰ش)، بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.